

مطالعه نقاشی های امامزاده عبدالله وانا شهرستان آمل - بخش لاریجان

زینب صفایی

دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه آزاد واحد میانه

Zeinab.safaie@yahoo.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۶)

چکیده

انسان گرایش طبیعی به نماد دارد و به همین دلیل است که با تغییر برخی از عناصر محیط پیرامون خود به آنها حالت مذهبی یا هنری و گاهی افسانه‌ای می بخشد. مقاله پیش رو به بررسی و مطالعه و تحلیل عناصر نقاشی امامزاده عبدالله وانا، لاریجان شهرستان آمل می پردازد. این تصاویر که ریشه در باورها و افسانه های عامیانه و داستان های فولکوریک مردم منطقه دارد هنوز در هاله ای از ابهام می باشد. در مقاله سعی شده با مفاهیمی چون هارپی، اژدها، شیر و که در این بنا نقاشی شده اند را معرفی کنیم.

واژگان کلیدی: لاریجان، امامزاده عبدالله، هارپی، اژدها، اساطیر.

مقدمه

های با مضمون اسلیمی، فرشته، شیر، اژدها، زن-پرنده (هارپی) و کتیبه وجود دارد.

نماد

نماد یک اصطلاح است، اصطلاحی که با معانی اش بسیار فراتر از معنای قراردادی و روزه مره اش می باشد. در نماد و نشانه تفاوت اساسی وجود دارد. نشانه یک حضور واقعی است اما نماد یک کیفیت روانی را بیان می کند (فورد هام، ۱۳۴۶، ص ۴۰) در واقع نماد نشانگر چیزی ناشناخته و گنگ است. یکی از گسترده ترین موارد استفاده از نمادها، زبان ادیان است. جدا از نمادهای که جنبه فردی دارند نمادهای مهمی وجود دارند که سرچشمه آنها جمعی است، مثل نمادهای مذهبی که آنرا الهی می دانند. با توجه به آنچه از نماد گفته شد به بررسی نقش های زن-پرنده (هارپی)، اژدها، شیر، گیاهی، خورشید، کتیبه، می پردازیم:

زن-پرنده (هارپی):

در بقعه امامزاده عبدالله نقاشی نقش موجودی ترکیبی زن-پرنده وجود دارد که بیشتر شبیه به هارپی می باشد. هاشمی به نقل از دهخدا، در لغت نامه دهخدا در تعریف هارپی و مشخصات آن چنین آمده است: " نام سه موجود عجیب الخلقه بالدار است. چهره این موجود به چهره زن، بدن او به کرکس می ماند، ناخن های برگشته دارد و مرگ و کشمکش شدید را تجسم می دهد (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۴۷). هارپی ها تلفیقی از سر انسان با تنه پرنده است. این موجود در هنر ایران و دیگر تمدنهای کهن وجود داشته است و در دوره اسلامی از سده پنجم هجری تصاویر آنها به تدریج بر روی سفال دیده می شود (عابد دوست، ۱۳۸۸) در این بنا نقش زن-پرنده طبق تعریف دهخدا و مشخصات

عقاید و سنت های مذهبی در ایران عامل تاثیر گذار در اداره کشور هستند ابتدا مساجد و سپس آرامگاهها به عنوان فضای مذهبی در معماری ایران بسیار قابل توجه بوده و هستند. بحث پیشرو به بررسی آرامگاه وانا لاریجان واقع در شهرستان آمل و تزیینات نقاشی آن می پردازد تا درک درستی از نمادها و نشانه هایی که در آن هست مورد کنکاش قرار گیرد.

امامزاده عبدالله وانا :

امامزاده عبدالله وانا واقع در منطقه لاریجان شهرستان آمل می باشد. بنای اولیه آن مربوط به قرون ۸ و ۹ ه.ق بوده و قدمت این اثر متعلق به دوران قاجاریه می باشد.

امامزاده عبدالله بنایی است هشت ضلعی که عرض هر ضلع آن از داخل ۱۵۴ سانتی متر می باشد. و ارتفاع آن نسبت به سطح زمین حدود ۸ متر می باشد. بر هر ضلع داخلی غیر از ضلعی که در ورودی امامزاده در آن است، طاقنمای بلندی است که تا زیر کمر بند گنبد می رود و بالای کمر بند، گنبدی پیازی شکل زده اند که وسط آن را با رنگ و روغن، ستاره ای هشت پر رسم کرده اند. در وسط بنا، صندوق قاب و آلت ساده است که دور آن ضریح چوبین مشبک بسیار ظریف به طول ۲۲۵ سانتی متر و عرض ۱۷۲ سانتی متر و ارتفاع ۱۳۵ سانتی متر است. بنا از بیرون نیز هشت ضلعی می باشد و عرض هر ضلع آن ۲۳۵ سانتی متر می باشد در میان ضلع های بیرونی نیز طاقنماهای به دهانه ۸۵ سانتی متر ساخته شده مشاهده می گردد. گنبد را نیز به چهار قسمت تقسیم کرده و بر کمر بند گنبد کتیبه ای است که هر مصرع را در مستطیلی تحریر کرده اند. در داخل بنا زیر گنبد و زیر گلوی گنبد داخلی نقاشی

مطالعه نقاشی های امامزاده عبدالله وانا...

ظاهری نقش و مقایسه آن با سایر نقش های هارپی که بر روی سفالینه های قرن پنجم هجری بوده است شباهت زیادی دارد (تصویر ۱). تصویر هارپی در مرکز یک ظرف سفالی وجود دارد که اطراف آنرا گیاه پیچان که زمینه طرح را تشکیل می دهد وجود دارد (همان). در نقاشی های امامزاده عبدالله نقش زن-پرنده در چهار نوع قاب مختلف گیاهی از قبیل: درخت انگور، درخت انار، نقش گل‌های پیچان و اژدها وجود دارد. گاه در میان درختان و گلها به تصویر کشیده شده است و گاه در نبرد با اژدها. این نقش دارای تعبیر مختلفی می تواند باشد مثلاً در فرقه شیعه سمبل امام زمان قابل تشخیص است. اما این نظر نمی تواند درست هم باشد چرا که یکی از مهمترین اصول ارائه نقوش چهارده معصوم، عدم ارائه تصویر صورت آنها است در حالیکه صورت اغلب هارپی ها نماد مونث بکار رفته است که هیچ تناسبی با این نظریه ندارد (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۵۲). ارتباط این نقش را با مفاهیم کیهان شناسی که نمادی از برکت و باروری می باشد و نمادی از ستاره عطارد می توان دانست. دقت در ترکیب سر انسان بعنوان جایگاه قرارگیری مغز و به تبع اندیشه بشری با بدن پرنده که مهترین شاخص آن بال پرواز است که در نقوش فوق می تواند در تفسیر صحیح تر این موجود ترکیبی مفید باشد. (همان، ۵۱). اما شاید هدف از به تصویر کشیدن این موجود ترکیبی از ذهن هنرمند نقاش، چیزی فراتر از این نظریه ها بوده و یا شاید در باور مردم این منطقه معنا و مفهوم دیگری داشته باشد که جای سوال باقی است.

اژدها:

اژدها از جمله نقوش اساطیری است که از دوره ایلخانیان به بعد تجلی بیشتری داشته است. اژدها یکی از موجودات اساطیری است که در همه نقاشی های

دیواری به طرز گسترده و جدی حضور دارد. اژدها در فرهنگ باستانی و متون کهن نمادی از نیروهای مخرب، دهشتناک و وحشت آفرین که در کوهستان ها زندگی می کند، تجلی می یابد. اما در برخی از فرهنگ ها نمادی از آب و باران است که منزلگاهش در میان ابرهاست و بطور سمبلیک دارای معانی زیادی از جمله "آب، ابر، استبداد، بت پرستی، خشکسالی، دریای نخستین، دشمن حقیقت، راهزنی، ... می باشد (رحیم زاده، ۱۳۸۲، ص ۲۱۲).

اژدهای شاخدار در همه فرهنگ های ملل مختلف وجود دارد. در فرهنگ عامیانه و ادبیات مردمی ایران نیز فراوان وجود دارد. در داستان عامیانه ملک بهمن، این اژدها (شاخدار) چنین آمده: چهار دست و پا داشت چون دست و پای پلنگ و اندامی به نقش نقش های گوناگون و گردنی چون گردن شتر بسیار دراز و سری به غایت بزرگی و دو شاخ چون شاخ گوزن و هر شاخی بیست ذرع بلندی داشت (همان، ۲۲۵). بررسی روایات حماسی ایران و ملل دیگر نشان می دهد که اژدها موجوداتی دوزیست هستند که می توانند هم در خشکی و هم در میان آب زندگی کنند. و در انواع روایات حماسی، پهلوانی و داستان های فولکلوریک مربوط به این جانور و کشتن و نبرد با اوگاهی رباینده و مانع آب است. و ایزد یا پهلوان (قهرمان) با نابود کردن آن آب ها را آزاد و رودخانه ها را روان می سازد (حسینی، ۱۳۹۰).

اما تصویر نقاشی شده اژدها در این بنا دارای چهار دست و پا و شاخی همچون گوزن و بدنی به شکل پلنگ را دارد که با دهانی باز در حال بلعیدن زن-پرنده (هارپی) است. با این توصیفات شاید در باور مردم این منطقه هم اژدهای نقاشی شده در این بنا بی ارتباط با مفهوم آب نبوده باشد. اژدهای که در حال بلعیدن خورشید است را نمادی از صور کواکب می دانند که

ای از جاودانگی و زندگی دائم را نشان می‌دهد و حکایت از حرمت و قداست این درخت در باور و فرهنگ ایرانی دارد (رحیم زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰)، (تصویر ۴).

در تمامی ملت‌ها و فرهنگ‌ها بطور کلی رستنی‌ها و گیاهان، نماد و تمثیلی از رویش و حیات و رستاخیز بوده است. در نقاشی‌های این مکان هم طرح‌های از گل و درخت سرو، درخت انگور و درخت انار وجود دارد. بی شک هدف هنرمند نقاش از خلق چنین آثاری بی هدف نبوده و مفهومی را می‌رساند. در روایات مذهبی انگور و انار از میوه‌های بهشتی محسوب می‌شوند. طرح گل‌هایی که در این نقاشی‌ها وجود دارد شباهت زیادی با نقش گل‌هایی است که در سقف تالارها وجود دارد (تصاویر ۶-۵).

خورشید و فرشته :

خورشید: خورشید مظهر ایزد مهر نیز هست. و در همه فرهنگ‌ها نماد قدرت و زندگی و حیاط بخشی است. در زیر گنبد تصویر خورشید که اطراف آنرا نقوش اسلیمی در بر گرفته، به تصویر کشیده است. (تصویر ۷)

فرشته: نقش ملائک همواره در نقاشی‌های بناهای این منطقه دیده شده است. مخصوصاً در سقالاتارهای زیر گنبد داخلی بنای امامزاده وانا، در زمینه سفید تصویر زنی عریان با بال‌های گشوده که به احتمال تصویر فرشته می‌باشد نقاشی شده است. گاهی این فرشته‌ها در برخی بناها بصورت عریان و یا نیمه برهنه و گاهی هم ملبس می‌باشند (تصویر ۸).

این نظریه در مورد این تصویر صدق نمی‌کند. چون بدون شک تصویر هارپی است و شباهتی به خورشید ندارد. در تمامی فرهنگ‌ها هم قهرمانی وجود دارد که یک تنه با این موجود دهشتناک به نبرد برخیزد و او را از پای در می‌آورد (تصویر ۲).

شیر:

شیر در باور ایرانیان باستان مظهر قدرت و توان نیرو است. نقش شیری که در این نقاشی وجود دارد که از روی فرم دهان و حرکت دستان و پنجه‌های او نشان از غرش شیر را نشان می‌دهد (تصویر ۳).

گیاه:

گل و گیاه و نقوش مربوط به آن، یکی از موضوعاتی است که در همه انواع هنرها حضوری جدی داشته است. این نقوش یکی از کهن‌ترین موضوعات مورد علاقه بوده است و یکی از مضامینی است که همواره مورد پسند روستاییان بوده است (رحیم زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۸۳).

جامعه کشاورز مازندران با در نظر گرفتن از طبیعت پیرامون خود در هنر و صنایع از نقوش گیاهی و طبیعت الهام‌جسته است که می‌توان در هنر گادوزی روی پرده‌ها، و طاق پوش‌ها، هنر لاک تراشی و... نقوش گیاهی و طبیعی را مشاهده نمود. در زیر گنبد این بنا به چهار قسمت تقسیم شده که دارای چهار درخت سرو می‌باشد که حرکت این چهار درخت به یک نقطه و یک مرکز را نشان می‌دهد که شاید مفهوم نشان از وحدانیت خدا و نور باشد. درخت سرو در تمامی بناهای دوره قاجار وجود دارد. قدیمی‌ترین نقش سرو را ما در نگاره‌های تخت جمشید مشاهده می‌کنیم که به جهت آیینی بوده است. این درخت نشانه

کتیبه:

پیوند خط با معماری از دیرباز مرسوم بوده است. در دوران اسلامی کاربرد خط در معماری رونق فراوانی گرفت و بعنوان یکی از زیباترین عنصر تزئینی در بناها جای گرفت. همچنین موضوع این کتیبه ها با مضمون بناها متناسب بوده است، گاهی به شکل آیات قران و احادیث و گاهی شعری در مدح بزرگان دین و صاحب بنایی که آرامگاه اوست. در این بنا هم اشعاری در زیر گنبد نوشته شده است این کتیبه در میان نقوش اسلیمی بصورت نواری به تصویر کشده شده است (تصاویر ۱۰-۹) که اشعار این کتیبه به این شرح است:

این بارگاه کیست که پیوسته از زمی
نورش رود به کنگره چرخ چارمین
این بارگاه کیست که از بهر خدمتش
جمعی ملک ستاده فوجی ز حور عین
این بارگاه کیست که جاروب درگهش
مژگان جمله شاه و گدا سوده بر زمین
ای زاده امام برادر ترا
بنما نظر به مهدی سلطان بی قرین

نتیجه گیری:

بسیاری از نقوش این بنا حاوی اطلاعاتی است که ریشه در افسانه ها و باورهای عامیانه مردم این منطقه دارد. در میان این مردم از حدود ۲۰۰ الی ۴۰۰ سال پیش افسانه هایی در موضوعیت ائمه اطهار، کشتی پهلوانی، واقعه کربلا و اشعاری که در زمینه واقعه کربلا به خصوص محتشم کاشانی در کتاب شعر خود آورده است در تمام این نقاشیها در پس دیوار این امامزادگان و حتی در زیر سقف، سقالاتارها می توان

دید. با این تحقیقات در این زمینه ها می توان به نکات تاریک معانی این نقاشیها که اینکه ریشه در سنن و مذهب دارد یا نه و یا اینکه ریشه در افسانه های تاریخی و پهلوانی مردم این سرزمین، شمال ایران، دارد توجه داشت، بررسیهای میدانی این بنا توانسته مقدار کمی از این معانی را از دل این نقاشیها بیرون کشیده که شاید منبع موثری در توان ریشه یابی این تزئینات وابسته به معماری ایران باشد.

منابع:

۱. رحیم زاده، معصومه، ۱۳۸۲، سقالاتارهای مازندران منطقه بابل وجهی از معماری آیینی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی مازندران
۲. حسینی، سیدهاشم، ۱۳۹۰، بازتاب و تحلیل نگاره اژدها در سفالینه های کاشی های دوران اسلامی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی نگره شماره ۱۹، صص ۶۲-۴۹
۳. حسینی، سیدهاشم، ۱۳۹۱، نقوش موجودات ترکیبی در هنر سفالگری دوران اسلامی ایران. نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی دوره ۱۷. شماره ۴، صص ۵۴-۴۵
۴. عابد دوست، حسین. کاظم پور، زیبا، ۱۳۸۸، تداوم حیات اسفنجکس ها و هارپی های باستانی در هنر دوره اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی نگره، شماره ۱۳
۵. فورد هام، فریدا، ۱۳۴۶، مقدمه ای بر روانشناسی یونگ، ترجمه مسعود میر بهار. انتشارات اشرفی، تهران.



(تصویر شماره ۱) زن-پرنده (هارپی)



(تصویر ۲) نقش ازدهای شاخدار در حال بلعیدن موجود افسانه ای (هارپی)



(تصویر ۳) نقش شیر غران



(تصویر ۴) نقش درخت سرو، زیر گنبد



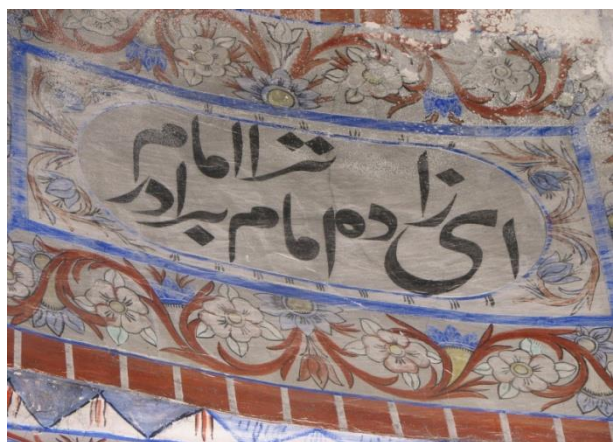
(تصاویر ۵-۶) نقوش گیاهی



(تصویر ۷) نقش خورشید همراه با نقوش اسلیمی



(تصویر ۸) نقش فرشته عریان



(تصاویر ۹-۱۰) کتیبه و حاشیه اسلیمی